امپراطوری جدید و تغییر استراتژی

عبدالعزیز از یاران قدیمی روی برمی‌گرداند

اخوان که این کشته‌ها را جزو مشرکان می‌دانستند، از این پیروزی چندان راضی نشدند؛ چرا که در مقایسه با حملاتی که پیش از تصرف مکه به اطراف داشتند، رقم ناچیزی بود. آن‌ها در طائف در عرض چند ساعت توانسته بودند، گروه کثیری از مسلمانان را بکشند.

در مقابل عبدالعزیز می‌دانست که رفتار اخوان به زودی ترس و نارضایتی تجار و سرزنش سایر مسلمان‌ها را به همراه خواهد داشت. بنابراین تصمیم گرفت که دست رهبران اخوان را در امور مربوط به تبلیغات و پاکسازی دینی کاملا کوتاه و آن را منحصر به علمای وهابی کند. او نه تنها این امور را برای اخوان ممنوع کرد، بلکه کنترل این ممنوعیت را نیز به دست خانواده‌های تجاری که نفوذ بسیاری داشتند و این شهر را برای قرن‌ها اداره می‌کردند، سپرد. او حتی با تجار شهر مدینه نیز روابطی سری برقرار کرد تا دست فیصل الدوویش، سلطان ابن بیجاد و ابن هیثلان سه رهبر اصلی اخوان از قبایل مطیر، عتیبه و عجمان را از مقبره‌ها و گنبدهای مقدس دور نگه دارد. او همچنین برای راضی نگه داشتن مردم، شبیخون به بادیه‌نشینان حجاز را هم ممنوع کرد.

چه اتفاقی افتاده بود؟ آیا عبدالعزیز آن قدر نگران سازش با شهروندان جدیدش در حجاز و نگران مشاورین خارجی‌اش در جده بود که حاضر شده بود، از آرمان‌های اخوان صرف‌نظر کند؟

*** عبدالعزیز سرزمین پهناوری را از شمال و منطقه هیل، نجد و حجاز در اختیار گرفته بود. اکنون که مکه را به دست آورده بود، دیگر نمی‌توانست حسابی برای اخوان که کارشان را با خونریزی به انجام می‌رساندند، به خاطر برانگیخته شدن خشم و اتحاد احتمالی مسلمانان جهان، بازکند. بنابراین امپراطوری ساخته شده به دست اخوان ناگزیر از تغییر استراتژی بود.**

***

واقعیت همان بود که الدوویش در نامه‌اش نوشته بود. اخوان برای سالیان طولانی به جنگیدن و شبیخون زدن عادت کرده بودند. اصلا از همین راه زندگی را می‌گذراندند. اکنون که سال ۱۹۲۹ بود و عبدالعزیز حکمران نجد شده بود، دوستی با او یعنی ملالت و محروم شدن مردان اخوان از ثروت و فرصت‌هایی که با شبیخون زدن بر قبایل به دست می‌آمد.

نامه الدوویش اعتراض آشکاری بود به زندگی شهرنشینی و نظم و قانونی که عبدالعزیز به مردم قولش را داده بود.

اخوان قبیله‌نشینانی نبودند که مانند سایر بادیه‌نشین‌ها زندگی به روال عادی داشته باشند. در واقع آن‌ها سازمانی شبه‌نظامی بودند که به قول رابرت لیسی «آمالی تجاوزکارانه» داشتند. برای سال‌های طولانی آن‌ها به عنوان ابزار خاموش کردن آتش کینه‌توزی‌ها و خونریزی‌های قبیله‌ای و اسکان بیابانگردها و تربیت سپاهیان جدید خدمت کرده بودند و اکنون که زمان فراغت و آرامش بود، آن‌ها دیگر از این جهت به کار سلطان نمی‌آمدند. نامه‌ای که فیصل الدوویش در سال ۱۹۲۹ به عبدالعزیز نوشت، شرح همین روحیه اخوان است.

زمانی که اخوان در همه مسایل دستشان کوتاه شد، ناامید از

پیدا و پنهان شکل‌گیری وهابیت

به دست آوردن پیروزی که احساس غرورشان را راضی کند، با غنائمی اندک به سرزمینشان در نجد بازگشتند. عقاید افراطی آن‌ها در حجاز که قرار بود با سیاستی دوگانه متفاوت از نجد، توسط سلطان نجد و حجاز؛ عبدالعزیز اداره شود، خریداری نداشت. عبدالعزیز سرزمین پهناوری را از شمال و منطقه هیل، نجد و حجاز در اختیار گرفته بود. اکنون که مکه را به دست آورده بود، دیگر نمی‌توانست حسابی برای اخوان که کارشان را با خونریزی به انجام می‌رساندند، به خاطر برانگیخته شدن خشم و اتحاد احتمالی مسلمانان جهان، بازکند. بنابراین امپراطوری ساخته شده به دست اخوان ناگزیر از تغییر استراتژی بود. اخوان به سرزمین‌هایشان بازگشتند و با تمام خشمی که از ناامیدی نصیبشان شده بود، شروع به شبیخون به قبایل و بادیه‌نشینان و چوپان‌ها کردند و به خصوص به طرف شمال شرق که سرزمین قربانیان سنتی وهابیگری یعنی مسلمانان شیعه عراق

بود، هجوم بردند.

حمله‌های اخوان با آن‌چه بادیه‌نشینان سنتی با آن آشنا بودند، بسیار متفاوت بود. آن‌ها بدون ترحم مردها و پسران را در هر سنی که بودند، به قتل می‌رساندند. گاه حتی از ریختن خون زنان نیز صرفنظر نمی‌کردند. نخستین پایگاه اخوان؛ یعنی الارطوریه، مرکز فرماندهی این نوع ماجراها بود. آن‌ها حتی از حمله به کاروان حجاج هم ابایی نداشتند. به طور معمول مسافرانی که از عراق به سرزمین حجاز می‌رسیدند، قبل یا پس از شروع اعمال حج، برای شکایت نزد قاضی می‌رفتند و از قبایلی می‌گفتند که مال و اموالشان را به غارت برده بودند.

طبیعی بود که بریتانیا نمی‌توانست این اعمال را نادیده بگیرد - به خصوص این که در برخی مناطق نفت نیز کشف شده بود - بنابراین برای محافظت از حکومت‌های تحت‌الحمایه‌اش در عراق، قلعه‌ها و پایگاه‌های محافظتی ایجاد کرد و دست به تعقیب مهاجمان به وسیله نیروهای هوایی سلطنتی زد و آن‌ها را تا نجد به عقب راند. اما اخوان عقب‌ننشست و با حمله به یکی از این پایگاه‌ها و کشتن افراد آن قدرتش را به رخ بریتانیا کشید.

منابع در دفتر روزنامه موجود است

در نخستین نامه‌ای که علی(ع) بعد از جنگ جمل برای جریر فرستاد، علت جنگ با طلحه و زبیر و بصریان را برایش توضیح داد و همراهی مهاجران و انصار مدینه و مردم کوفه با آن بزرگوار را متذکر گردید. آن‌گاه تلاش خود برای حل مسالمت‌آمیز ماجرا و پیشگیری از جنگ و لجاجت بصریان را یادآوری کرد و در پایان فرمود: «من زحربن‌قیس را نزد تو فرستاده‌ام؛ هر سؤالی داری از او بپرس.»[۱۶۷]

نامه حضرت در حقیقت نوعی دعوت به بیعت بوده است؛ روی این جهت جریر نامه علی(ع) را برای مردم خواند و گفت:

«هذا کتاب أمیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب، هو المأمون علی الدّین و الدّنیا... قد بایعه السابقون الأوّلون من المهاجرین و الأنصار و التابعین بإحسان و لو جعل هذا الأمر شوری بین المسلمین کان أحقّهم بها؛[۱۶۸]

این نامه امیرمؤمنان علی‌بن‌ابی‌طالب است؛ او در دین و دنیا مورد اعتماد است... نخستین سبقت‌گیرندگان از مهاجران و انصار و کسانی که با مهاجران و انصار با احسان برخورد کرده‌اند، با او بیعت کرده‌اند؛ اگر بنا باشد امر حکومت با مشورت مسلمانان شکل گیرد، شایسته‌ترین آنها برای خلافت اوست.»

سپس مردم را به وحدت و پرهیز از تفرقه و فاصله گرفتن از بیعت دعوت کرد و گفت: «علی حاملکم علی‌الحقّ ما استقمتم، فإن ملتم أقام میلکم؛[۱۶۹] مادامی که شما استقامت داشته باشید، علی شما را به حق هدایت می‌کند و زمانی که از حق فاصله بگیرید، شما را از سقوط نجات می‌دهد.» به دنبال نامهٔ علی(ع)، خود جریر شخصاً از همدان به کوفه آمد و با علی(ع) بیعت کرد.[۱۷۰]

طبق نقل منقری، بعد از جنگ جمل و بیعت جریر، علی(ع) تصمیم گرفت فردی را نزد معاویه بفرستد تا از او و شامیان بیعت بگیرد. جریربن‌عبدالله بجلی پیشنهاد کرد تا این مسئولیت به وی سپرده شود؛ چرا که او از دوستان و نزدیکان معاویه به شمار می‌آمد و در برقرار نمودن ارتباط با معاویه مشکلی پیش روی خود نمی‌دید؛ لذا به حضرت گفت:

« مرا نزد معاویه بفرست؛ وی همواره پند دهنده و دوست من بوده است. نزدش می‌روم و از او می‌خواهم تا حکومت را به تو واگذار کند و حول محور حق به تو بپیوندد و مادامی که مطیع خداوند بوده و به آنچه در کتاب خداست عمل می‌کند، امیری از امرا و کارگزاری از کارگزارانت باشد. اهل شام را [نیز] به اطاعت از شما و پذیرش حاکمیت شما خواهم خواند؛ اکثر شامیان جزء قوم من و از مردم شهرهای من هستند؛[۱۷۱] روی این جهت امیدوارم از من سرپیچی نکنند.»[۱۷۲]

در این میان مالک اشتر با فرستادن جریر مخالفت می کرد و می‌فرمود: «والله إنّی لأظن هواه هواهم و نیّته نیّتهم؛[۱۷۳] قسم به خدا گرایش او همان گرایش شامیان است و خواسته‌اش عین خواسته آنهاست». ولی به زودی خواهیم گفت که تز امیرمؤمنان(ع) در حکومت این بود که به افراد، مادامی که فعالیت آنها مصالح اسلام و نظام اسلامی را تهدید نمی‌کرد، میدان فعالیت و مانور می‌داد؛ لذا در پاسخ مالک فرمودند: «دعه حتّی ننظر مایرجع به إلینا؛[۱۷۴] رهایش کنید تا ببینیم با چه نتیجه‌ای نزد ما بر می‌گردد.»

حضرت هنگام حرکت جریر به سوی شام او را تشویق کرد تا او با دلگرمی قضیه را پیگیری کند و فرمودند:

« إنّ حولی من أصحاب رسول‌الله مَن أهل الدین و الرأی من قدرأیت، و قد أخترتک علیهم لقول رسول‌الله فیک: «إنّک من خیر ذی یمن ؛[۱۷۵] خودت دیده‌ای اطراف من افراد دیندار و صاحب‌نظر از اصحاب رسول‌خدا(ص) هستند؛ ولی من تو را برای رفتن نزد شامیان ترجیح دادم؛ چون رسول‌خدا(ص) در موردت فرموده‌اند: تو از بهترین یمنیان هستی.»

ریزش خواص در حکومت علوی

ماموریت ناکام یک کارگزار سست عنصر

جریر در شام سعی کرد تا با تکیه بر رأی اکثریت و جلوگیری کردن از تکرار فتنه جنگ جمل، معاویه را وادار به بیعت کند. از این رو وقتی نزد معاویه رفت، ابتدا به بیعت مردم شهرهای مکه و مدینه و بصره و کوفه و سایر مناطق حجاز و یمن و مصر و عروض و عمان و بحرین و غیره با علی(ع) اشاره نمود؛[۱۷۶] سپس خطاب به معاویه و جمعی از شامیان، عملکرد طلحه و زبیر را تقبیح کرد و گفت:

« طلحه و زبیر از کسانی بودند که پیمان خود با علی(ع) را بدون دلیل شکستند؛ بدانید این دین تاب و تحمل فتنه را ندارد؛ بدانید عرب دیگر نمی‌تواند شمشیر را برتابد. دیروز در بصره کشتاری به راه افتاد که اگر بخواهد این بلا با یک بلایی مثل خودش درمان شود، دیگر کسی از مردم باقی نخواهد ماند.»[۱۷۷]

سپس در نزد شرحبیل بن سمط، یکی از سران کارگزاران معاویه رفت و امیرمؤمنان(ع) را «وصی رسول‌خدا(ص)» خواند[۱۷۸] و شرکت حضرت در قتل عثمان را یک تهمت ناشی از گرایش دنیاطلبانه شمرد.[۱۷۹]

اما هیچ‌یک از این سخنان نه در معاویه و نه در اطرافیانش تأثیر نگذاشت؛ چرا که خیانت معاویه و اطرافیانش به حدی بود که سخنان و براهین امیرمؤمنان(ع) در آنها تأثیر نمی‌کرد، تا چه رسد به سخنان جریر که مجموعه عملکردش حاکی از آن است که جریر که خود به علی باور نداشت، پس چگونه می‌توانست در شامیان ایجاد باور کند. او تنها کاری که می‌توانست بکند این بود که با دلایل مصلحت‌اندیشانه، معاویه و اطرافیانش را قانع کند تا به ناچار با علی(ع) بیعت مصلحت‌آمیز کنند؛ اما در این جهت نیز موفق نبود. علی(ع) نیز بیش از این از او انتظار نداشت.

به هر تقدیر بازگشت جریر از نزد معاویه طولانی شد؛ به طوری که یاران حضرت، جریر را متهم به تبانی با معاویه کردند؛ ولی حضرت فرمودند: «وقّتُّ لرسولی وقتاً لا یقیم بعده إلا مخدوعاً أوعاصیاً ؛[۱۸۰] من برای فرستاده‌ام وقتی را معین کرده‌ام که اگر توقف او از آن موعد بگذرد، یا فریب آنها را خورده و یا نافرمانی کرده است».

بالاخره پس از یکصد و بیست روز جریر بدون نتیجه وارد کوفه شد. وقتی او بازگشت یاران حضرت او را به تبانی با معاویه متهم ساختند. در میان یاران حضرت، مالک اشتر به شدت بر جریر سخت گرفت. مالک معتقد بود جریر با معاویه تبانی کرده و اساساً سفر او به شام برای معامله با معاویه و محکم کردن جایگاهش نزد او بوده و بازگشت او نیز با هدف تهدید علی(ع) و یارانش بوده است. از منظر مالک جریر آمده بود تا بگوید اگر شما با معاویه بجنگید، او با نیروهای فراوانی که آماده نموده، شما را شکست خواهد داد. از این رو مالک خطاب به جریر گفت:

« قسم به خدا! تو شایستگی نداری که در روی زمین زنده بمانی؛ همانا تو نزد آنها رفته‌ای تا راهکاری برای پیوستن به آنان برای خود فراهم کنی؛ برگشتن تو از پیش آنها به سوی ما برای این بوده تا بدین وسیله ما را از آنها بترسانی. قسم به خدا! تو از آنها هستی؛ من تلاش تو را جز برای آنها نمی‌بینم؛ اگر امیرمؤمنان(ع) نظر مرا می‌پذیرفت، تو و امثال تو را در محبسی زندانی می‌کردم که از آن خارج نشوید تا این کارها فیصله یابد و خدا ظالمان را به هلاکت برساند.»[۱۸۱]

ظاهراً مالک معتقد بود جریر نه تنها برای بیعت گرفتن از معاویه تلاشی نکرده، بلکه در این سفرش تمام دریچه‌های امید برای تسلیم کردن معاویه را مسدود کرد و با اطلاعات و اخباری که از اوضاع کوفه و سپاه حضرت به معاویه داد، در معاویه بصیرت خاصی ایجاد کرد و او را از تنگناهایی که ممکن بود در آینده در آن گرفتار شود، نجات داد.[۱۸۲]

***پس از یکصد و بیست روز جریر بدون نتیجه وارد کوفه شد. وقتی او بازگشت یاران حضرت او را به تبانی با معاویه متهم ساختند. در میان یاران حضرت، مالک اشتر به شدت بر جریر سخت گرفت. مالک معتقد بود جریر با معاویه تبانی کرده و اساساً سفر او به شام برای معامله با معاویه و محکم کردن جایگاهش نزد او بوده و بازگشت او نیز با هدف تهدید علی(ع) و یارانش بوده است. از منظر مالک جریر آمده بود تا بگوید اگر شما با معاویه بجنگید، او با نیروهای فراوانی که آماده نموده، شما را شکست خواهد داد.**

گرچه مالک دلایل قاطعی برای نظرش نداشت و نمی‌توانست براهین روشنی برای قضاوت تند خود علیه جریربن‌عبدالله ارائه کند، ولی از لابلای کلمات به شواهدی دال بر گرایش جریر به معاویه استشهاد می‌کرد که قابل ملاحظه بود؛ از جمله می‌گفت: «تو در گفتارت زیاد از همراهی کردن و همدلی معاویه و اطرافیانش دم زده و ما را از کثرت نفرات آنها می‌ترسانده‌ای.»[۱۸۳]

نکته جالب توجه در این مقام این است که حضرت در جریان مشاجره میان مالک و جریر سکوت اختیار کرد. طبق اسناد موجود حضرت در صحنه برخورد مالک با جریر شخصاً حضور داشت، ولی مانند مالک موضع‌گیری نکرد؛ چرا که دلیل قاطعی برای متهم کردن جریر به خیانت نداشت، ولی مدتی بعد از صحبت مالک، جریر از حضرت جدا شد و به قرقیسیا گریخت.[۱۸۴]

از این پس حجت بر خیانت جریر اقامه گردید و حضرت خانه جریر را منهدم کرد؛ زیرا در عُرف آن عصر اگر کسی از مشاهیر و کارگزاران از فرمان حاکم سرپیچی می‌کرد، این امر نوعی تمرد به حساب می‌آمد و حاکم او را تنبیه می‌کرد. از این‌رو امیرمؤمنان(ع) به طرف خانه جریر حرکت کرده، آن‌را تخریب نمود و به آتش کشید. سپس از آنجا به طرف خانه ثویر، یکی دیگر از بزرگان کوفه که به جریر ملحق گردید، حرکت کرد و آن‌را نیز سوزاند و منهدم ساخت.[۱۸۵]

گریختن جریر تنها به خود او منحصر نگشت؛ از آنجا که او در میان قومش جایگاه رفیعی داشت، عده قابل ملاحظه‌ای از اقوامش به او پیوستند؛ به گونه‌ای که طبق نقل منقری از تیره « قسر» (تیره ای از قوم بجیله) تنها نوزده نفر[۱۸۶] در جنگ صفین حاضر شدند.[۱۸۷]

منابع در دفتر روزنامه موجود است

آگهی فقدان مدرک تحصیلی نوبت سوم

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب آزیتا فدایی استراکی نجات‌پور فرزند علی به شماره شناسنامه ۵۵۸ صادره از شوشتر در مقطع کارشناسی رشته مترجمی زبان انگلیسی صادره از واحد دانشگاهی آبادان- خرمشهر با شماره ۲۷/۱۱۲/۲۳۴۷-۸۳/۵/۱۹ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان- خرمشهر به نشانی:آبادان- میدان پرستار- روبروی بیمارستان طالقانی- دانشگاه آزاد واحد آبادان- خرمشهر ارسال نماید.

کارت هوشمند راننده باری به نام حسین اردالی به شماره۱۱۴۸۳۸۵ و تاریخ صدور ۱۳۸۴/۲/۱۸ و گواهی‌نامه شماره۱۰۵۱۴۳۵۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت راه و ساختمان می‌جی سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۸۸۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۰۲۹۸۳۸۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۲/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱- نقل و انتقال سهام وفق مواد ۳۹ و ۴۰ لایحه اصلاحی قانون تجارت مربوط به امورات داخلی شرکتهای سهامی بوده و از موارد ثبت و آگهی نمی‌باشد.
با ثبت این مستند تصمیمات نقل و انتقال سهام انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می باشد.
اداره کل ثبت اسناد و املاک آذربایجان غربی
مرجع ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ارومیه

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۲۹۰ مورخ ۱۳۹۴/۲/۲۱ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پلدختر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای کریم علی‌پور فرزند حسین به شماره شناسنامه ۴۸۵۰۱۴۱۴۴۴ صادره از پلدختر در شدسانگ عرصه و اعیان یک باب عمارت مسکونی به مساحت ۲۹۰/۵۷ مترمربع پلاک ۲۸ فرعی از ۱۴ اصلی واقع در دولابچی پلدختر بخش ۸ خرم‌آباد خریداری از مالک رسمی آقای محمدعلی جایدری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۴/۴/۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۴/۴/۲۴
جهانگیر آزادبخت- رئیس ثبت اسناد و املاک پلدختر

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۲۴۹ مورخ ۱۳۹۴/۳/۲ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پلدختر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای فاضل رحیمی فرزند آقارحیم بشماره شناسنامه ۱۰ صادره از پلدختر در شدسانگ عرصه و اعیان یک باب عمارت مسکونی به مساحت ۳۳۷ مترمربع پلاک ۲۸ فرعی از ۱۴ اصلی واقع در دولابچی پلدختر بخش ۸ خرم‌آباد خریداری از مالک رسمی آقای جهانگیر جایدری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۴/۴/۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۴/۴/۲۴
جهانگیر آزادبخت- رئیس ثبت اسناد و املاک پلدختر

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۲۲۱ مورخ ۱۳۹۴/۲/۲۲ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پلدختر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسینعلی الهیاری فرزند حسین‌جان به شماره شناسنامه ۴۲۷ صادره از پلدختر در شدسانگ عرصه و اعیان یک باب عمارت مسکونی به مساحت ۲۰۷ مترمربع پلاک ۱ فرعی از ۱۱۶ اصلی واقع در کاوه کالی پلدختر بخش ۷ خرم‌آباد خریداری از مالک رسمی آقای عبدالعلی لرستانی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۴/۴/۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۴/۴/۲۴
جهانگیر آزادبخت- رئیس ثبت اسناد و املاک پلدختر

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رأی شماره ۴۹ مورخ ۱۳۹۴/۱/۲۵ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک پلدختر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسن فرزانه فرزند دوشنبه بشماره شناسنامه ۴۴ صادره از پلدختر در شدسانگ عرصه و اعیان یک باب عمارت مسکونی به مساحت ۲۰۰ متر مربع پلاک ۱ فرعی از ۱۱۶ اصلی واقع در کاوه کالی پلدختر بخش ۷ خرم‌آباد خریداری از مالک رسمی آقای ملک نیاز نصیرمقدم محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۴/۴/۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۴/۴/۲۴
جهانگیر آزادبخت- رئیس ثبت اسناد و املاک پلدختر

رونوشت آگهی حصر وراثت
آقای محمد دل‌داده فرزند حسین به شماره شناسنامه ۹۲۱۸ به شرح دادخواست به کلاسه ۶۰/۹۴/ش‌ح۱ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان ریحانه دل‌داده فرزند محمد به ش ش ۱۱۰ در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۲۴ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به ۱- محمد دل‌داده فرزند مرحوم حسین به ش ش ۹۲۱۸ متولد ۱۳۲۳ صادره از سمیرم (پدر متوفی) ۲-اقدس افشاری فرزند صفرعلی به ش ش ۷۴۶۵ متولد ۱۳۳۵ صادره از سمیرم (مادر متوفی) ۳- حسین طائی فرزند مظفر به ش ش ۸۳۰۹ متولد ۱۳۴۰ صادره از سمیرم (همسر متوفی) ولاغیر. اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت یک مرتبه آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
علیرضا رفیعی- قاضی شورای حل اختلاف شماره یک شهرستان سمیرم

آگهی تغییرات شرکت راه و ساختمان می‌جی سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۸۸۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۰۲۹۸۳۸۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۲/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱- آقایان مهدی اوقات قهار به کد ملی (۲۷۵۳۴۵۶۱۶۱)، جواد اشکان‌نژاد بـه کد ملی (۰۰۳۶۰۱۷۹۴۹) عطا محمدزاده به کد ملی (۲۷۴۰۵۰۵۸۷۶)، محسن رحیم‌پور به کد ملی (۲۷۵۵۸۹۰۷۶۲) و مسلم محمدزاده به کد ملی (۲۷۵۰۹۱۳۹۳۴) به سمت اعضای اصلی هیئت مدیره به مدت دو سال انتخاب شدند ۲- آقای مهدی مبارکی به کد ملی (۲۷۵۳۴۵۰۷۰۶) بسمت بازرس اصلی و آقای خسرو فری به کد ملی (۲۷۵۴۵۱۴۰۷۴) بسمت بازرس علی‌البدل شرکت به مدت یک سال انتخاب شدند.
با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، انتخاب مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می باشد.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی
مرجع ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ارومیه

آگهی تغییرات شرکت راه و ساختمان می‌جی سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۸۸۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۰۲۹۸۳۸۲
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۲/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱- آقای مسلم محمدزاده (۲۷۵۰۹۱۳۹۳۴) به عنوان عضو و رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و آقای جواد اشکان‌نژاد (۰۰۳۶۰۱۷۹۴۹) به عنوان عضو و نائب رئیس هیئت مدیره و آقای عطا محمدزاده (۲۷۴۰۵۰۵۸۷۶) به عنوان عضو هیئت مدیره و آقای مهدی اوقات قهار (۲۷۵۳۴۵۶۱۶۱) به عنوان عضو هیئت مدیره و آقای محسن رحیم‌پور (۲۷۵۵۵۸۹۰۷۶۲) به عنوان عضو هیئت مدیره به مدت ۲ سال تعیین و انتخاب شدند.
۲- امضای کلیه اسناد مالی، چک‌ها، قراردادها و اسناد تعهدآور با مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره به تنهائی همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود و امضای کلیه اوراق عادی و اداری به امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.
با ثبت این مستند تصمیمات تصمیمات دارندگان حق امضا تعیین سمت مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی
مرجع ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری ارومیه

آگهی تغییرات شرکت مهندسین مشاور آر کولوگ سهامی خاص به شماره ثبت ۳۰۰۹۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۵۵۵۱۹
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردید:
آقای احمدرضا ممتحن به شماره ملی ۰۰۳۹۸۸۲۲۷۶ به سمت رئیس هیئت مدیره
- آقای علیرضا مستغنی به شماره ملی ۰۰۴۰۷۷۸۹۷۵ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل
- کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور از قبیل چک و سفته و برات و قراردادها و اوراق و اسناد بانکی شرکت به امضاء مشترک آقای احمدرضا ممتحن و علیرضا مستغنی همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد.
با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره، تعیین دارندگان حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

کارت هوشمند به شماره ۲۸۱۸۸۲۰ مربوط به خودرو کامیون باری ایسوزو مسقف مشبک فلزی به شماره انتظامی ۷۱۳ع۷۳ ایران ۶۲ مدل ۱۳۹۲ رنگ سفید شماره موتور NAGNLR۷۰PBT۰۰۶۴۵۲ شماره شاسی ۰۵۷۸۵۰ به مالکیت غریب رضا طالب‌زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز خودرو کامیونت- کفی بغلدار فلزی بازشو ایسوزو NKR۵۵ به شماره پلاک ۱۶۷ع۲۱-ایران ۲۴ به رنگ سفید- روغنی مدل۱۳۸۹ و شماره موتور۹۵۳۸۳۹ و شماره‌شاسی NAGNKR۵۵E۰۸۹۱۵۹۵۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

رونوشت آگهی حصر وراثت
آقای حسین رحمانی دارای شناسنامه شماره۱۴۷۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۳/۹۴۰۲۶۵ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان ابوالقاسم رحمانی به شناسنامه ۳۲ در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۰ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه ح